

مقاله پژوهشی

بازخوانی و معرفی قلعه‌های عثمانیان در تبریز براساس منابع
نوشتاری و یافته‌های جدید باستان‌شناسی*بهزاد مهدی‌زاده^{۱*}، آیتکین اردوغان^۲

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه اژه، ازمیر، ترکیه.

۲. استادیار، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه اژه، ازمیر، ترکیه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲

چکیده

عثمانی‌ها در سفرهای جنگی‌شان به مرزهای امپراطوری، همواره براساس یک سیستم «قلعه محور» حرکت می‌کرده‌اند. در این سیستم، محوریت پیشروی‌ها و نقشه راه تصرفات مبتنی بر تصرف قلاع و بازسازی آنها در راستای پیشبرد اهداف نظامی و سیاسی‌شان بوده است. در این راستا، با بررسی‌های میدانی و کتابخانه‌ای، نگارندگان موفق به شناسایی سه قلعه در تبریز و اطراف آن شدند. که عثمانی‌ها آنها را براساس این شیوه بهره گرفته‌اند: ۱. قلعه رشیدیه ۲. قلعه جعفرپاشا ۳. قلعه خامنه. این پژوهش براساس ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. به گونه‌ای که منابع مطالعه شده با مدارک باستان‌شناسی به دست آمده تطبیق داده شدند. و به لحاظ قالب نظری نیز از نظریه چیرگی (ارتباط بین مراکز سیاسی - نظامی) کالین رنفرو برای تحلیل نتایج پژوهش استفاده شده است. در نهایت، با بررسی قلاع مذکور، به این نتیجه می‌رسیم که هر یک از قلاع مذکور پتانسیل و تأثیر سیاسی - نظامی خاصی بر تحولات این دوره داشته‌اند. این مسئله را در قالب نظریه چیره‌گی رنفرو به این شکل می‌توان تحلیل کرد که قلاع مورد بحث با اینکه هر کدام یک واحد سیاسی - نظامی مستقل عمل می‌کردند. اما در قالب ساختار سیاسی عثمانی در مناطق متصرفه شمال غرب ایران، به صورت یک سیستم هماهنگ عمل می‌کرده‌اند. لذا، قلاع عثمانی‌ها در تبریز در قالب این سیستم قلعه محور و در بازه زمانی ۱۶۰۳-۱۵۸۵ میلادی موجب تداوم حاکمیت سیاسی بیست‌ساله دولت عثمانی بر مناطق متصرفه آذربایجان و بالاخص تبریز شده‌اند.

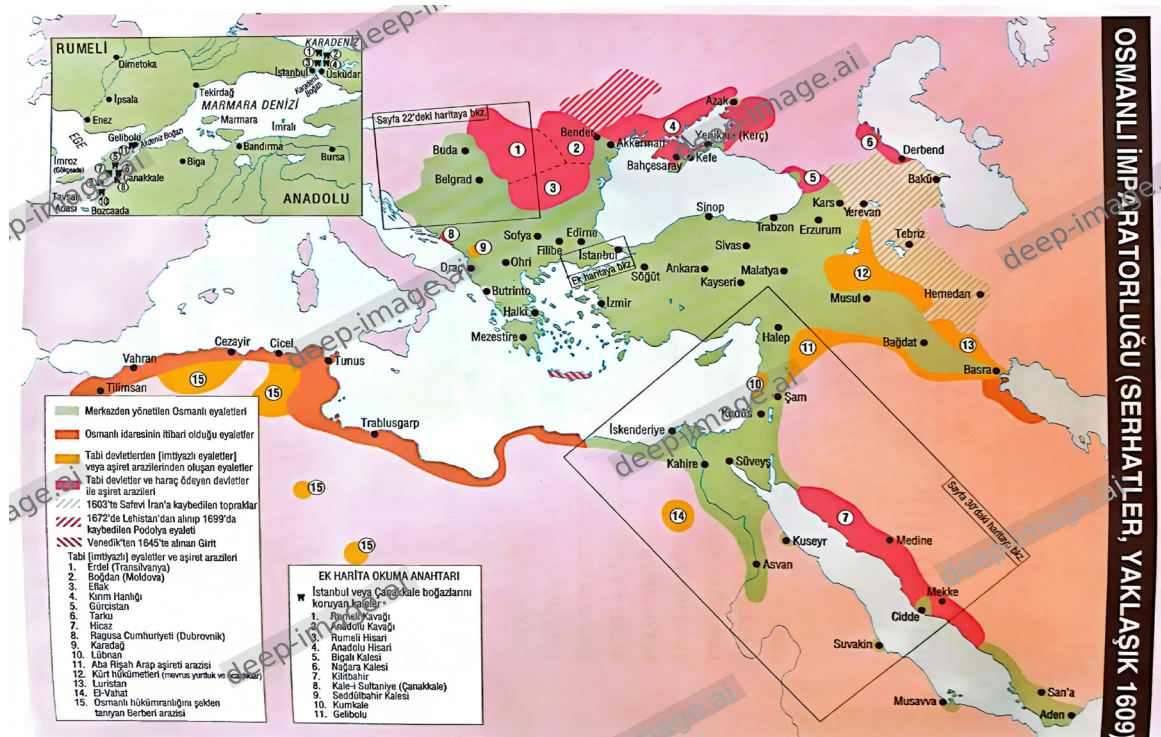
واژگان کلیدی: قلعه تبریز، قلعه خامنه، قلعه رشیدیه، قلاع عثمانی، صفویه.

مقدمه

به‌خصوص از سال ۱۵۷۸ میلادی، در دوره حکومت سلطان مراد سوم، عثمانی‌ها توجه بیشتری به شرق نشان دادند. از این تاریخ تا ۱۵۸۵ میلادی (۹۹۳ ه.ق) زمانی که تبریز فتح شد، شاهد وقوع جنگ‌های متوالی بین عثمانیان و صفویان در مرزهای غربی ایران فعلی هستیم که نتیجه این جنگ‌ها، تصرف آذربایجان و بخش‌هایی از قفقازیه توسط عثمانیان بود (تصویر ۱). طبق منابع عثمانی، علل اصلی آغاز این نبردها، تحریک قزلباشان آناتولی توسط صفویان برای پیوستن به آنها و تبلیغ مذهب شیعه در شرق آناتولی عنوان شده است (Gelibolulu, 2020, 321a). البته تا زمانی که صفویان معاهده چالدران را نقض نکرده بودند، عثمانی‌ها نیز به آن معاهده پایبند بودند، اما پس از مرگ وی و شروع سلطنت شاه طهماسب و نقض صلح نامه مذکور از طرف وی، سلطان مراد سوم دستور جنگ را صادر کرد (Kütükoğlu, 1993, 23). باید گفت که تهاجمات عثمانی‌ها به تبریز از سال‌های بسیار دور (۱۵۱۴ میلادی)

اشغال تبریز به دست عثمانیان یکی از رویدادهای مهم تاریخ ایران در دوران صفویه به‌شمار می‌آید. این مسئله، هرچند به لحاظ تاریخی بازه زمانی محدودی (۱۶۰۳-۱۵۸۵ میلادی) را دربر می‌گیرد. اما از نظر تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت‌های عثمانی و صفوی در قبال یکدیگر و اثر این سیاست‌ها بر اقدامات و روابط بعدی دولت‌های مذکور، بسیار مهم است. از اواسط قرن ۱۶ میلادی، یک سیاست توجه به شرق از طرف دولت عثمانی به اجرا درآمد که نتیجه این سیاست، فتوحاتی بود که عثمانی‌ها در آذربایجان و قفقازیه به دست آوردند و برای مدت محدودی مناطق مذکور را تحت سلطه خود نگاه داشتند.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «بهزاد مهدی‌زاده» با عنوان «بررسی باستان‌شناختی معماری قلعه رشیدیه تبریز» است که به راهنمایی دکتر «آیتکین اردوغان» و با مجوز سرپرست پروژه بین المللی کاوش و پژوهش ربع رشیدی تبریز دکتر بهرام آچورلو، در دانشکده ادبیات دانشگاه اژه شهر ازمیر (ترکیه) در حال انجام است.
** نویسنده مسئول: mehdi.zadeh.eg@gmail.com ۰۹۱۴۴۷۸۶۰۳۰



تصویر ۱. محدوده مناطق متصرفه عثمانی‌ها در آذربایجان. مأخذ: Nicolle, 2019, 4.

عثمانی‌ها با قلعه، ساختار و کارکرد آن آشنایی کامل داشتند، لذا، در سفرهای جنگی‌شان به شرق امپراتوری براساس یک سیستم «قلعه محور» حرکت کرده‌اند. در این سیستم، قلاع به تناسب موقعیت استراتژیکی و ابعادشان در جریان سفرهای جنگی و همچنین پس از آن مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بنابراین، اساس کار عثمانی‌ها در طراحی و اجرای سفرهای جنگی همین مسئله قلعه بوده است. فتح شهرها توسط عثمانی‌ها در گرو فتح قلاع آن منطقه بود. آنها قبل از حرکت از قلعه‌ای به قلعه دیگر، قطعاً مسافت آن را سنجیده و متناسب با آن، و با در نظر گرفتن شرایط آب‌وهوایی ارتش چندهزار نفری خود را حرکت می‌دادند. و از طرف دیگر، بدون حمایت از قلاع پشت سر خود اقدام نظامی بعدی را انجام نمی‌دادند. نمونه و مصداق آن، پشتیبانی قلعه وان از تحرکات ارتش عثمانی در آذربایجان است. حتی پس از تصرف تبریز، همواره یک ارتباط لجستیکی بین قلعه وان، قلعه خامنه و قلعه جعفرپاشا وجود داشت. به خصوص در مواقع تحرکات صفویان برای بازپس‌گیری تبریز، بلافاصله از قلعه وان که مرکز بیگربیگی (حکمرانی) منطقه وان بود، تقاضای لجستیک، نیرو و آذوقه می‌کردند. به همین شکل، قلعه وان نیز در جهت جنوب با قلعه دیاربکر و در شمال با قلعه قارص و ارضروم در ارتباط بود. لذا، این سیستم قلعه محور تا مرکز امپراتوری یعنی استانبول تداوم داشته است. در این راستا، قلاعی که، در محدوده شهر تبریز به این سیستم قلعه محور متصل بوده‌اند و در این پژوهش بررسی خواهند شد.

و در دوره یاوز سلطان سلیم آغاز شده بود (Bilgili, 2011, 219) و از این تاریخ تا ۱۵۸۵، که تبریز به خاک عثمانی ملحق شد، چندین بار توسط عثمانی‌ها فتح شده بود، ولی در هیچ یک از آنها الحاقی صورت نگرفته بود. لذا، در تهاجمات ۱۵۷۸ میلادی، طبق گفته منابع عثمانی، هدف اصلی عقب‌راندن سیاست شیعه‌محور صفویان و پاکسازی شرق آناتولی از قزلباشان و امرایی بود که به صفویان تمایل داشتند (Kütükoğlu, 1993, 23-25). در دوران اعمال سیاست الحاق آذربایجان به عثمانی، هدف اصلی دستیابی به تبریز بود. تبریز به واسطه مرکزیتش در آذربایجان و به‌عنوان «عروس شرق» همواره مورد توجه دولت عثمانی قرار داشت. سابقه حملات آنها از زمان سلطان سلیم اول (۱۵۱۴ میلادی) نیز مؤید این امر و نشان‌دهنده اهمیت تبریز است. در حقیقت، عثمانی‌ها می‌دانستند که با تسلط بر تبریز می‌توانند بر کل منطقه آذربایجان حکمرانی کنند و در صورت فراهم شدن شرایط مناسب، این منطقه را برای همیشه به خاک اصلی امپراتوری عثمانی الحاق نمایند. از طرف دیگر، باید به این مسئله نیز اشاره کرد که توجه عثمانی‌ها به شرق صرفاً جهت تصرف تبریز و یا آذربایجان نبوده و آنها اهداف بلندمدت دیگری را نیز داشتند که این اهداف فراتر از تصرف تبریز و قفقاز جنوبی بود. لذا، بحث در مورد آنها در مجال این گفتار نیست. مسئله‌ای که در این پژوهش بدان پرداخته شده، بررسی و معرفی قلاع عثمانی‌ها در تبریز از زمان فتح آن تا بازپس‌گیری است. در نظر عثمانی‌ها، قلاع رکن اصلی و اولیه هر سفر جنگی بوده و از آنجا که

برخی از سربازان عثمانی اقدام به غارت خانه‌ها کردند که بعد از شنیدن این خبر عثمان پاشا دستور جلوگیری از این اقدام را صادر می‌کند (Rahimizade, 2010, 81; Kütükoğlu, 1993, 156).

ضرورت و هدف پژوهش

موضوع پژوهش از دو جهت حائز اهمیت است: ۱. بعد تاریخی ۲. بعد سیاسی. اهمیت بعد تاریخی این پژوهش از آن جهت است که موضوع تأثیر و نقش قلاع نظامی و پاسگاه‌های مرزی همواره در بررسی وقایع تاریخی ایران مغفول مانده و جایگاه خاصی برای آنها قائل نشده‌اند. حال آنکه قلاع، رکن اصلی تمامی تحرکات نظامی در گذشته بوده‌اند و از این جهت نقش اساسی در سرنوشت نهایی جنگ‌ها ایفا کرده‌اند. همچنین، با بررسی تاریخچه قلاع و حوادث روی داده در آنها، می‌توان به میزان اراده و پایداری مردمان ساکن در آنها نیز پی‌برد. بنابراین، نباید قلاع را از حوادث سیاسی و نظامی جدا دانست. این امر درباره عثمانیان به دلیل اتکاء خاص آنها به قلاع در سفرهای جنگی اهمیت بیشتری داشته است. در بعد سیاسی می‌توان از تئوری‌های باستان‌شناسی بهره گرفت. نظریه پردازان باستان‌شناسی بر این باورند که رقابت‌های سیاسی را می‌توان براساس داده‌های مادی مطالعه کرد. لذا، از آنجاکه شکل خشونت‌آمیز رقابت سیاسی، همان جنگ بوده است. قلاع، در میان یکی از مهمترین مدارک باستان‌شناختی محسوب می‌شوند. از طرف دیگر براساس باستان‌شناسی اجتماعی می‌توان گفت که قلاع، علاوه بر کارکرد نظامی، در قالب یک ساختار سیاسی نیز مطرح می‌شوند. چراکه بسیاری از قلاع همزمان مراکز حکومتی نیز بوده‌اند همانند قلعه جعفرپاشا در تبریز چنین کارکردی را داشته است. اهمیت دیگر قلاع به لحاظ سیاسی، به جهت انعقاد قراردادها و صلح‌نامه‌ها و صدور فرامین سیاسی است که در آنجا امضا و مهر می‌شده است. از طرف دیگر، براساس رهیافت‌های باستان‌شناسی، آثار به‌دست‌آمده از قلاع داده‌هایی هستند که می‌توانند به‌عنوان مدرک باستان‌شناسی مطرح شوند (Dark, 2000, 45). لذا، با بررسی مدارک به‌دست‌آمده از قلاع و فهم ارتباط آنها با یکدیگر می‌توان به حقایق جدید تاریخی پی برد، به‌خصوص حقایقی که در منابع نوشتاری بیان نشده‌اند. در این میان قلعه رشیدیه حاوی داده‌ها و مدارک ارزشمندی از دوره روابط پرتنش صفوی-عثمانی می‌باشد. بنابراین، اهمیت و جایگاه قلاع در سیستم اداری و نظامی، برای عثمانی‌ها به‌مراتب بیشتر از صفویان بوده است. و به گفته اسکندر بیگ ترکمان (Çelebi, 2008, 286a). «در بین عثمانیان ترتیب قلعه جزء اعظم ملک‌گیری و مملکت‌داری محسوب می‌شده و تا محلی قلعه نداشته باشد آن را از محروسه خود نمی‌شماردند». طبق این گفته اسکندر بیگ، اولین اقدام عثمانیان پس از فتح هر شهر یا منطقه، ساخت قلعه‌ای متناسب با تشکیلات حکومتی در آن منطقه بوده است. لذا، با درک عدم توجه به این موضوع در مطالعات

و با بررسی‌های میدانی و کتابخانه‌ای، نگارندگان سه قلعه در تبریز و اطراف آن را شناسایی کرده‌اند که عثمانی‌ها آنها را بکار گرفته‌اند. البته وضعیت هر یک از قلاع مذکور متفاوت است که در چهارچوب بحث پژوهش به هر یک از آنها خواهیم پرداخت. این قلاع عبارتند از: ۱. قلعه رشیدیه ۲. قلعه جعفرپاشا (تبریز) ۳. قلعه خامنه (حامانا در منابع عثمانی). با بررسی وضعیت این قلاع در جریان روند فتح تبریز و اشغال آن در اواخر قرن ۱۶ میلادی که به مدت حدود بیست‌سال به طول انجامید، و به این نتیجه کلی می‌رسیم که هر یک از قلاع پتانسیل و تأثیر سیاسی-اجتماعی خاصی بر تحولات این دوره داشته و در تعیین سرنوشت نهایی تبریز و منطقه آذربایجان تأثیرگذار بوده‌اند.

روند تحولات در تبریز اساساً با تصرف آن در سال ۱۵۸۵ میلادی آغاز شد. در این سال، سلطان مراد سوم دستور لشکرکشی قوای عثمانی به شرق با هدف تصرف آذربایجان و دستیابی به تبریز را صادر کرد و برای این مأموریت ازدمیرزاده عثمان پاشا را انتخاب کرد. عثمان پاشا در سال ۹۹۳ ه.ق (۱۵۸۵ میلادی) با لشکری بزرگ و مجهز عازم فتح کل آذربایجان و عراق شد. اسکندر بیگ ترکمان (۱۳۹۰، ۳۷۷) به تفصیل به این مسئله پرداخته است: «عثمان پاشا نیز تمام ولایات شروان و شکی را ضبط نموده به معتمدان سپرده، خود راونه استنبول شد و از خدمت خواندگار متعهد تسخیر کل آذربایجان بلکه عراق شده، رتبه وزارت و سرداری یافت و به عزم تسخیر آذربایجان با لشکر بی حد و مرز روانه ارض روم شد». وی پس از یک جنگ سرنوشت‌ساز با قوای قزلباش در نزدیکی تبریز پیروز میدان شد و در ماه رمضان سال ۹۹۳ ه.ق (ماه سپتامبر ۱۵۸۵ میلادی) پس از یک محاصره کوتاه مدت، وارد تبریز می‌شود (Kütükoğlu, 1993, 145; Şeyh Vefâyi, 2019, 1a-13a). محمد چلبی در کتاب «شجاعت‌نامه» ضمن توصیف حوادث سال ۱۵۸۵ میلادی که در جریان آن تبریز تصرف شده بود، مینیاتوری از اردوگاه عثمان پاشا در تبریز نیز ترسیم کرده است. در این مینیاتور، صحنه اعطای حکومت تبریز توسط عثمان پاشا به خادم جعفرپاشا به تصویر کشیده شده است.^۲ به احتمال زیاد اردوگاهی که در مینیاتور نشان داده می‌شود، در نزدیکی محله شام غازان تبریز مستقر بوده است. البته گزینه میدان صاحب آباد نیز به دلیل نزدیکی به دارالاماره تبریز می‌توانسته جهت برپایی اردوگاه مناسب باشد. زیرا طبق روایات، ارتش عثمانی تا میدان صاحب آباد پیش‌آمده بود (Çelebi, 2008, 286a). با این حال، از آنجاکه جنگ صفویان با عثمانیان در خارج از شهر رخ داده بود، محتمل است که نیازی به ورود تمامی اردو به داخل شهر نبوده باشد و به همین دلیل، عمده قوای عثمانی در نزدیکی محلات غربی تبریز مستقر شده باشند. همچنین، از منابع عثمانی می‌دانیم که: اولاً، صفویان پیش‌از تخلیه شهر، بازارها را آتش‌زده، دکان‌ها و خانه‌های فراریان را تخریب کرده بودند، دوماً، پس از تصرف شهر توسط عثمانی‌ها،

می‌شود (Renfrew & Cooke, 197; Renfrew, 1984). لذا، در قالب این نظریه، ارتباط قلاع با یکدیگر و تأثیر آنها بر روند تحولات سیاسی و نظامی تبریز و همچنین ارتباط آنها با قلاع شرقی قلمرو عثمانی قابل سنجش است.

روش این پژوهش براساس رهیافت تاریخی- باستان‌شناسی است. در این چهارچوب، هم منابع اصلی تاریخی مرتبط با موضوع و هم مدارک جدید باستان‌شناسی که حاصل پژوهش‌های میدانی نگارندگان است، در قالب نظریه چیرگی باستان‌شناسی و به‌صورت تطبیقی بررسی و تحلیل می‌شود. در این رویکرد، قلاع بحث شده به‌عنوان مواد تاریخی محسوب می‌شوند و تلاش می‌شود ارتباط آنها را با یکدیگر مشخص گردد.

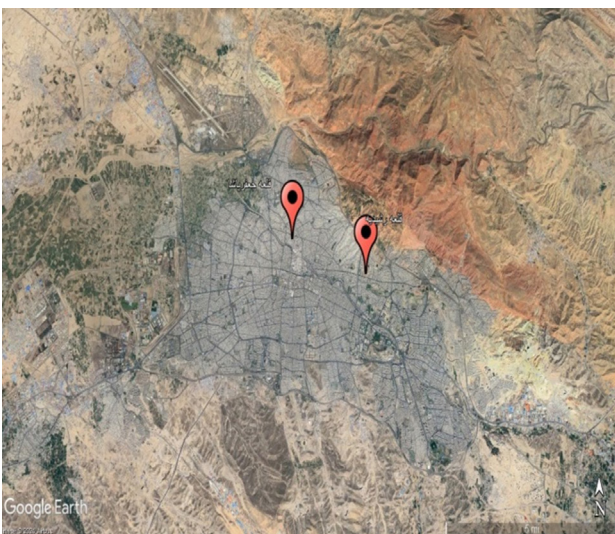
پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش از جهت موضوعیت، مبحثی جدید است. در پژوهش حاضر سعی شده است بین منابع نوشتاری تاریخی و مدارک مادی باستان‌شناسی ارتباطی منطقی برقرار شود. لذا، سعی شده است از مدارک باستان‌شناسی و اسناد تاریخی به‌صورت تلفیقی و در ارتباط با هم استفاده شود. درخصوص محوطه ربع رشیدی، مطالعات تاریخ‌نگارانه و باستان‌شناسانه انجام شده بسیار محدود است. مطالعات تاریخی آن عمدتاً بر واکاوی ربع رشیدی براساس وقف‌نامه ربع رشیدی متمرکز بوده است. از جمله شیلا بلر که براساس وقف‌نامه ربع رشیدی، این محوطه را دارای قلعه‌ای ایلخانی می‌داند (Blair, 2008) که با یافته‌های جدید باستان‌شناختی حاصل از کاوش و بررسی‌های میدانی، این نظریه امروز هیچ جایگاه علمی ندارد (Ayorloo & Moradi, 2020; Ajorloo & Mehdi-zadeh, 2024; Roshan & Ajorloo & Pirbabaei, 2025). برخی دیگر سعی کرده‌اند در چهارچوب مکتب معماری

عثمانی- صفوی، نیاز هست در چهارچوب روابط عثمانی- صفوی به‌خصوص در نیمه دوم قرن ۱۶ میلادی به این مسئله پرداخته شود. و زوایای مختلف این موضوع برای پژوهشگران نسل جدید به‌عنوان یک شاخه مطالعاتی جدید مشخص شود. بنابراین، سوال اصلی پژوهش این است که قلعه‌های عثمانی‌ها در تبریز و اطراف آن در چه نقاطی قرار داشته‌اند؟ و چه نقشی در تحولات سیاسی و نظامی اواخر قرن ۱۶ میلادی ایفا کرده‌اند؟ همچنین، تأثیر قلاع مذکور تا چه حدی در بقاء حاکمیت سیاسی عثمانی‌ها در تبریز مؤثر بوده است؟ در پاسخ به پرسش اول باید گفت که قلعه جعفرپاشا هم در تحولات سیاسی و هم نظامی، نقش تعیین‌کننده‌ای برای عثمانیان داشته است. صدور فرامین حکومتی در خصوص تعمیر مداوم این قلعه نشانگر استقرار مرکز اصلی حکمرانی عثمانیان در آن است. در مقابل قلعه رشیدیه و خامنه بیشتر کارکرد نظامی داشته‌اند، که آن‌هم به‌دلیل موقعیت استراتژیکی این قلاع بوده است (تصویر ۲). در خصوص پرسش دوم و سوم باید گفت که از میان قلاع مورد بحث، قلعه جعفرپاشا عامل اصلی بقاء دولت عثمانی در تبریز بوده است. عثمانیان در تبریز پایگاه مردمی نداشته‌اند و بدون داشتن چنین قلعه مستحکمی نمی‌توانستند به‌مدت بیست‌سال در تبریز حکومت کنند.

مبانی نظری

از آنجاکه قلاع بحث شده به‌عنوان یک مدرک باستان‌شناسی (Dark, 2000. 45) محسوب می‌شوند، می‌توان آنها را در چهارچوب «نظریه چیرگی» کالین رنفرو تحلیل کرد. رنفرو در این نظریه، ارتباط بین مراکز مختلف سیاسی- نظامی را با یکدیگر بررسی می‌کند. در این نظریه، قلمرو مراکز نظامی و یا سیاسی اهمیتی نداشته و صرفاً ارتباط آنها با یکدیگر سنجیده



تصویر ۲. مکان‌یابی قلاع عثمانی در مسیر تبریز تا وان. مأخذ: google earth.

عثمانی‌ها و سپس صفویان اقدام به ساخت استحکامات دفاعی در این محوطه کرده‌اند. مطالعات باستان‌شناسی نشان داده است که فاز عثمانی ارگ، همان ساخت‌وساز با مصالح سنگی بوده است. که در دوره حکومت بیست‌ساله عثمانی‌ها در تبریز (۱۵۸۵-۱۶۰۳) اقدام به ساخت برج سنگی جنوبی و بارویی بزرگ کرده است (Ayorloo, 2020, 47; Fuchs & Ajorloo, 2023, 857). مرکز اصلی حکومت عثمانی‌ها، قلعه جعفرپاشا در نزدیکی میدان صاحب آباد تبریز بوده است که کارکرد کاخ - قلعه‌ای مانند داشته است. این مسئله در رساله «تبریزیه» صبحی تلیکی‌زاده نیز بیان شده است. (Rahimizade, 2010, 86). بنا به گفته تاورنیه، عثمانی‌ها اقدام به ساخت استحکامات دفاعی متعددی دیگری در داخل بافت و ارتفاعات پیرامون شهر و مسیر راه‌های برون‌شهری کرده‌اند (Tavernier, 1990, 70). به احتمال زیاد، ساخت قلعه رشیدیه نیز حاصل این سیاست عثمانی‌ها بوده است. یکی از دلایل اصلی ساخت این قلعه در شرق تبریز این است که در سال‌های اول تصرف تبریز، قوای قزلباش همواره از موضع دامنه‌های کوه سرخاب، که قلعه رشیدیه نیز در این موضع قرار دارد، برای کمین و حملات ایذائی علیه عثمانیان استفاده می‌کرده‌اند (kütükoğlu, 1993, 157). و این امر لزوم تحکیم این بخش از شهر را نیز گریزناپذیر کرده است.

داده‌های جدید باستان‌شناسی، که حاصل مطالعات مشترک تیم باستان‌شناسی ایران - آلمانی (دانشگاه هنر اسلامی تبریز و موسسه باستان‌شناسی آلمان) است، عثمانی بودن برج و باروی سنگی قلعه رشیدیه را تأیید می‌کند. از بقایای ساخت‌وسازهای عثمانی می‌توان به برج پیش‌نشسته جنوب حصار قلعه اشاره کرد که طبق بررسی‌ها هیچ نمونه مشابهی در ایران ندارد و به‌عنوان تکنیک وارداتی شناخته می‌شود (Ayorloo & Moradi, 2020; Ajorloo & Mehdizadeh, 2024; Roshan, Ajorloo & Pirbabaei, 2025). نمونه‌های کاملاً مشابه این برج‌ها در جغرافیای آناتولی یافت شده است. از جمله می‌توان به برج‌های پیش‌نشسته در قلعه‌های بودروم، کیلید البحر، معموره و ایاسوس اشاره کرد که اکثراً بیزانسی - عثمانی هستند. بنابراین، محتمل است که این تکنیک نظامی توسط عثمانی‌ها در قلعه رشیدیه تبریز نیز به‌کار رفته باشد (Ayorloo & Mehdizadeh, 2024, 54). با توجه به موقعیت جغرافیایی قلعه که بر روی یک بلندی صخره‌ای قرار دارد، به احتمال زیاد این قلعه کارکرد کنترلی و لجستیکی داشته است. قلعه بر بخش اعظم شمال و شرق شهر و راه‌های خروجی شهر در این سمت تسلط دید داشته و احتمالاً به‌عنوان گارنیزون (پادگان) استفاده می‌شده است. به‌خصوص آنکه صفویان همواره از این جبهه به شهر حمله می‌کرده‌اند و وجود این قلعه می‌توانسته مانعی بزرگ بر سر راه آنها محسوب شود (تصویر ۳).

آذری، محوطه ربع رشیدی را تحلیل کنند (Habib, 2010) که این نوع مطالعات نیز به‌دلیل آرمان‌گرایانه بودن باید با احتیاط بسیار مورد پذیرش قرار گیرند. برخی نیز با ملاک قرار دادن وقف‌نامه، صرفاً به توصیف این محوطه باستانی پرداخته‌اند (رجب‌زاده، ۱۳۸۳؛ کارنگ، ۱۳۷۵؛ فرهانی و طارم، ۱۳۸۴). برخی محققان نیز سعی کرده‌اند براساس اطلاعات وقف‌نامه، این محوطه را بازآفرینی معمارانه کنند (شکاری، ۱۳۸۳؛ سعیدنیا، ۱۳۷۹؛ سلطان‌زاده، ۱۳۹۰). که البته این بازآفرینی‌ها براساس دانش محدود تاریخی به‌دست‌آمده از وقف‌نامه صورت گرفته است. در هیچ منبع تاریخی به این اندازه به جزئیات ابنیه موجود در ربع رشیدی اشاره نشده است. درنهایت، پژوهش‌های باستان‌شناسی سال‌های اخیر (Fuchs & Ajorloo, 2023; Ajorloo & Moradi, 2020) خلاف این بازآفرینی‌ها را به اثبات رسانده‌اند. آخرین پژوهش در این خصوص، پژوهش آقایان بهرام آجورلو و بهزاد مهدی‌زاده است که به موضوع برج بزرگ قلعه رشیدیه و سبک‌شناسی آن پرداخته‌اند (Ayorloo & Mehdizadeh, 2024). بر پایه نتایج معمارانه این پژوهش، می‌توان به ماهیت عثمانی بودن قلعه رشیدیه پی برد. لذا، بر روی دو قلعه دیگر یعنی قلاع جعفرپاشا و خامنه تاکنون هیچ پژوهشی انجام نشده است.

• قلعه رشیدیه

آنچه امروزه از بقایای قلعه رشیدیه در کوهپایه کوهستان سرخاب، در محله ولیانکوه، در شمال خاوری تبریز دیده می‌شود، ویرانه‌های ارگی است که دارای برج و بارو می‌باشد. حال آنکه، بنا به نوشته حمدالله مستوفی در کتاب «نزهت القلوب» ربع رشیدی شهرچه‌ای بوده است که جمعی از حکما و اطباء در آن مستقر شده بوده‌اند (Ayorloo & Moradi, 2020, 45). اما، در وقف‌نامه ربع رشیدی و تاریخ اولجایتو، سخنی از قلعه به میان نیامده است (Ayorloo, 2013). از طرف دیگر، محوطه ربع رشیدی به دلیل گستردگی و ویژگی‌های خاص خود، تأثیر کالبدی و فضایی زیادی بر بافت تبریز دوره ایلخانی داشته است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲، ۱۶۰). مجموعه‌ای که در منابع نوشتاری توصیف شده است، می‌بایست بسیار وسیع‌تر از محدوده برج و باروی فعلی بوده باشد. همچنین، به‌دلیل گستردگی مجموعه و ماهیت آن، قطعاً تأثیرات اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای در ساختار شهری آن دوره داشته است. تأثیراتی که در تبدیل تبریز دوره ایلخانی به یک پایتخت تمام عیار موثر بوده است (کریمی‌ان و مهدی‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۴۴). این بدین معناست که ما با یک محوطه گسترده مواجه هستیم که طبق گزارشات تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی، دو دوره متفاوت ایلخانی و صفوی را در بر می‌گیرد. بنابراین، آنچه که تحت عنوان قلعه ربع رشیدی یا رشیدیه مطرح می‌شود، مربوط به فاز صفوی است. براساس پژوهش‌های جدید، در دوره صفوی ابتدا



تصویر ۳. بقایای برج و باروی قلعه رشیدیه تبریز. مأخذ: مهدی زاده و روشن، ۱۴۰۲.

مجموعه صاحب‌آباد و عمارت هشت‌بهشت، در شمال غرب شهر قرار داشته است. مهمترین منبع عثمانی که به این قلعه جعفرپاشا اشاره کرده‌اند، سفرنامه اولیاء چلبی و تاریخ غزوات سلطان مراد سوم هستند (Çelebi, 2008; Şehy Vefayi Mehmed, 2019). اولیاء چلبی، که در دوره شاه صفی به تبریز سفر کرده بود در سفرنامه‌اش از قلعه و قصر جعفرپاشا نیز سخن یاد کرده است. نکته جالب توجه در خصوص قلعه جعفرپاشا این است که سیاحان و منابع قبل از وی هیچ اشاره‌ای به چنین قلعه‌ای در داخل شهر تبریز نکرده‌اند. در حالی که این قلعه مربوط به دوره حضور عثمانی‌ها در تبریز و حدود بیست‌سال پیش از دوره شاه عباس مربوط می‌شود. سایر منابع عثمانی از جمله اسناد آرشیوی عثمانی عمدتاً از این قلعه با عنوان «قلعه تبریز» یاد کرده‌اند. لذا، از آنجا که ساخت این قلعه به دستور و تحت نظارت جعفرپاشا، والی عثمانی‌ها در تبریز انجام شده است، آن را به نام قلعه جعفرپاشا نیز می‌شناسند.^۵

این قلعه مرکز حکومت و فرماندهی عثمانی‌ها در تبریز بوده است. با فرض چنین کارکردی، می‌توان گفت که کل تشکیلات اداری و نظامی عثمانی‌ها در تبریز در این قلعه متمرکز بیوده‌اند. منابع عثمانی به کرات به اقدامات انجام شده در قلعه تبریز توسط عثمانی‌ها اشاره کرده‌اند، به خصوص احکام و فرامین دولتی که اصلی‌ترین مدارک مربوط به این قلعه محسوب می‌شوند. در این فرامین، به ارسال تجهیزات نظامی و قوای تقویتی به قلعه تبریز به‌طور مکرر اشاره شده است. به‌خصوص در دوره‌ای (۱۵۹۰ میلادی) که فرهادپاشا به‌عنوان فرمانده قوای عثمانی در شرق امپراطوری، عازم سفر جنگی شرق و بالاخص تبریز بوده است، این فرامین بیشتر به چشم می‌خورد. جدا از این، در فرامین حکومتی که در اسناد دوره عثمانی وجود دارد، به‌طور مداوم از اخبار و حوادث تبریز نیز سخن رفته است.

به گفته بدلیسی در کتاب «شرفنامه»، این قلعه در نزدیکی عمارت هشت بهشت قرار داشته است (Bidlisi, 1860, 293). عمارت

قلعه وجود نداشته است. از طرف دیگر، اشاره عالم‌آرای عباسی به وجود یک کاخ زیبا در قلعه مربوط به ساخت‌وسازهای محدود صفوی است که آن نیز جهت استقرار حاکم‌شهر و تشکیلات دیوانی بوده است (ترکمان، ۱۳۹۰، ۸۴۳). از این روایت می‌توان دریافت که هدف صفویان از بازسازی قلعه رشیدیه و آماده سازی آن جهت استقرار کوتاه‌مدت والی صفوی شهر بوده است. بنابراین، وجود برج عظیم‌الجثه در جنوب حصار قلعه به لحاظ کارکردی نمی‌توانسته ساخته صفویان باشد و به احتمال زیاد مربوط به ساخت‌وسازهای عثمانی بوده است.

پس از بازپس‌گیری تبریز توسط شاه عباس اول در سال ۱۶۰۳ میلادی، قلعه رشیدیه مجدداً بازسازی شده و برای مدت کوتاهی استفاده شده است (همان، ۸۴۴-۸۴۳). یافته‌های جدید باستان‌شناسی نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. براساس مطالعات باستان‌شناختی، فاز سنگی حصار قلعه و برج‌ها مربوط به ساخت‌وسازهای عثمانی و فاز خشتی حصار مربوط به الحاقات و بازسازی‌های شاه عباس پس از بازپس‌گیری شهر بوده است (Ayorloo & Moradi, 2020). و از این جهت یک تفاوت ساختاری تاریخ‌نگارانه در مصالح برج و باروی قلعه وجود دارد. لذا، با توجه به عدم اشاره منابع بعد از شاه عباس به این قلعه، می‌توان گفت که قلعه تنها در دوره شاه عباس و شاه صفی استفاده شده، و پس از آن به تدریج به حال خود رها شده است.

در نهایت باید گفت که قلعه رشیدیه کارکرد گارنیزونی و لجستیکی داشته و از آن برای کنترل و دیده‌بانی شمال شرق شهر استفاده شده است. اما در فاز صفوی، قلعه هرچند برای مدت کوتاهی، کارکرد حکومتی- اداری داشته است. لذا، تمایز این دو کارکرد در مصالح و فازهای برج و باروی قلعه چندان هم کار آسانی نیست و تنها در سایه پژوهش‌های باستان‌شناسی به زوایای آن پی می‌بریم.

• قلعه تبریز (قلعه جعفرپاشا)

قلعه جعفرپاشا یکی از قلاع درون‌شهری تبریز بوده که در نزدیکی

انتقال تجهیزات و آذوقه از وان به تبریز ایفای نقش کرده باشد. به نظر می‌رسد در جنگ‌های صفوی و عثمانی نبرد بر سر این قلعه، یک محک جدی برای نیروهای هر دو طرف بوده است. هر کدام که به این قلعه مسلط می‌شده است به نوعی برتری نظامی خود را به طرف مقابل نشان داده، در جنگ روانی نیز دست بالا را داشته است. بنابراین، نبرد قلعه خامنه محل محک زدن قدرت طرف مقابل نیز بوده است. از طرف دیگر به دلیل نزدیکی این قلعه به سواحل شمالی دریاچه ارومیه، تسلط بر آن به منزله کنترل نوار ساحلی دریاچه نیز بوده است.

در مینیاتور قلعه خامنه در قسمت بالا و پائین تصویر، دو نوشته متفاوت دیده می‌شود که به صورت نثر هستند و به زبان ترکی عثمانی و خط عربی گزارشی کوتاه از نبرد قلعه را بیان می‌کنند (تصویر ۵). نوشته بالا به آماده شدن فرهادپاشا جهت حمله به قلعه اشاره دارد و اینکه وی خانواده‌اش را به محافظان می‌سپارد و خودش آماده حمله می‌شود. در ادامه به جمع‌آوری لشکر و اینکه هجوم بصورت دفعه واحد خواهد بود، اشاره می‌کند. در نوشته پایین مینیاتور ابتدا به تخریب بخش‌هایی از قلعه و اسیر کردن اهالی آن اشاره می‌کند. سپس به تعمیر بخش‌های آسیب دیده قلعه توسط معماران همراه فرهادپاشا اشاراتی دارد. در پایان نیز ذکر می‌کند که فرهادپاشا یکی از امیرانش را به فرماندهی قلعه منصوب کرده و به مقدار لازم آذوقه و سرباز در قلعه گماشته و راهی تبریز می‌شود. اینکه مینیاتور در این چند سطر تا چه حد توانسته وقایع جنگ را بازگو کند، نمی‌توان اظهار نظر کرد.

اما براساس آنچه که در تصویر دیده می‌شود و مقایسه آن با گزارشات تاریخی نکاتی را در خصوص اهمیت قلعه و ارتباط آن با جریان فتح تبریز توسط عثمانیان می‌توان بیان کرد: اولاً باید گفت که این قلعه قبل از عثمانی‌ها، توسط قوای صفوی به تجهیزات جنگی (سلاح گرم) مجهز بوده است. و وجود توپ‌های جنگی «تفنگ قلعه‌ای» (حیدری و فرهنگی، ۳۷۳۳) که از پنجره‌های تعبیه شده در دیوار قلعه بیرون زده‌اند، نشانگر این امر است. از طرف دیگر وجود این توپ‌های جنگی نشان می‌دهد که قلعه اهمیت استراتژیکی خاصی داشته است. که جهت حفظ آن تجهیزات سنگین نظامی در آن مستقر شده‌اند. سربازان صفوی نیز مسلح به تفنگ‌های فیلده‌ای سرپر(شمخالی) هستند و این نشان می‌دهد صفویان در این قلعه برای یک نبرد با سلاح‌های گرم حاضر شده بیوده‌اند. منابع دوره صفوی نیز بکارگیری تفنگ در دفاع از قلعه‌ها را تایید می‌کند (واله اصفهانی، ۱۳۷۲، ۳۲۹). همچنین، در مینیاتور نبرد قلعه خامنه، در پشت کنگره‌ها سربازان اسلحه به دست را مشاهده می‌کنیم که در حال تیراندازی به قوای دشمن هستند. نکته دیگر مینیاتور، کلاه‌های متفاوت هر دو طرف درگیری است که تمایز ظریفی با یکدیگر دارند. کلاه صفویان تاج دار و بلند هستند، حال آنکه کلاه عثمانیان همگی نوک تیز هستند.



تصویر ۴. موقعیت قلعه جعفرپاشا در طرح مطراچی از تبریز. مأخذ: Matrakçi, 2014.

هشت‌بهشت همان دارالاماره تبریز بوده، که قلعه جعفرپاشا نیز بر روی این عمارت ساخته شده است (تصویر ۴). هرچند قلعه جعفرپاشا امروزه وجود ندارد و بقایای آن نیز به احتمال زیاد از بین رفته است، اما مطالعات جدید مکان تقریبی آن تا حدودی در نقشه صفوی تبریز مشخص شده است. گزارشات منابع، موقعیت قلعه را در نزدیکی چهار مکان باغ صاحب آباد، عمارت هشت‌بهشت، میدان تسلیحات و کاخ حسن بیگ نشان می‌دهند (Balilan Asl, 2016, 56).

• قلعه خامنه

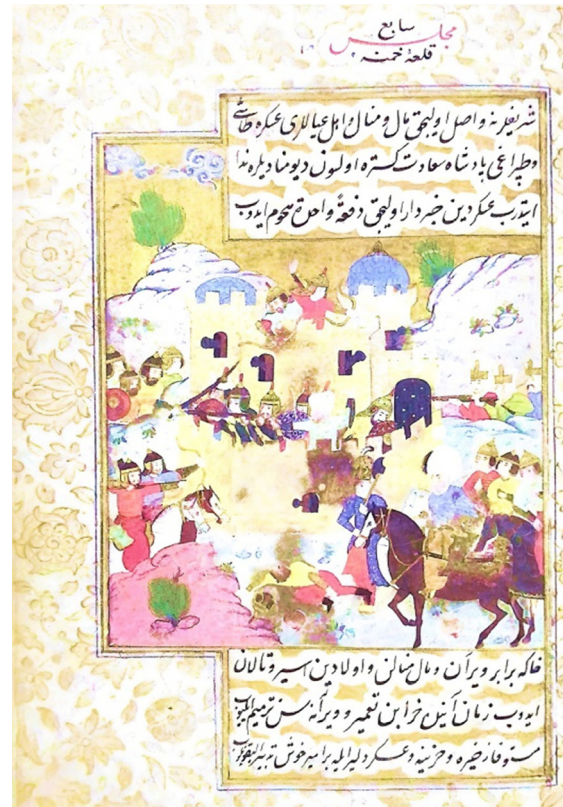
قلعه خامنه یا به نقل از منابع عثمانی «حامانا»، قلعه‌ای بین‌راهی، که در نزدیکی تبریز قرار داشته است. این قلعه به احتمال زیاد در شهر امروزی خامنه واقع شده که فاصله آن تا تبریز ۷۲ کیلومتر است. در سفر جنگی فرهاد پاشای عثمانی به تبریز، این قلعه تصرف و پس از بازسازی توسط قوای عثمانی استفاده شده است. اهمیت این قلعه به دلیل قرار داشتن بر سر راه تبریز- وان بوده و پس از قلعه وان، تنها قلعه بین‌راهی تا رسیدن به شهر تبریز محسوب می‌شده است. ما با قلعه خامنه عمدتاً از طریق منابع عثمانی آشنا هستیم (Rahimizade, 2010). اینکه این قلعه را عثمانی‌ها ساخته‌اند یا صفویان مشخص نیست اما، می‌دانیم که در زمان حمله فرهادپاشا به تبریز این قلعه در دست قوای صفوی بوده است که پس از یک محاصره کوتاه مدت توسط عثمانی‌ها فتح می‌شود. از طرف دیگر این بدان معنی است که عثمانی‌ها تا قبل از حمله فرهادپاشا و در جریان محاصره تبریز توسط حمزه میرزا، به داخل شهر عقب نشینی کرده بوده‌اند.

در حال در جریان سفر جنگی فرهادپاشا به تبریز در سال ۱۵۸۶ این قلعه ابتدا توسط وی تصرف می‌شود و پس از بازسازی به‌عنوان یک قلعه گذرگاهی (بین راهی) استفاده قرار می‌گیرد. فرهادپاشا پس از تعمیر قلعه به مقدار لازم توپ جنگی و سرباز نیز در آنجا می‌گمارد (Kirzioğlu, 1976, 357). ابراهیم حریمی وقایع نگار عثمانی در کتاب «گنجینه فتح گنجه» مینیاتوری از محاصره قلعه خامنه توسط فرهادپاشا و نیروهایش آورده است که شاید تنها مدرک تصویری از وجود این قلعه باشد (Rahimizade, 2010). قلعه به دلیل نزدیکی به تبریز می‌توانسته در تأمین لجستیک و

معمار را از سنان پاشا، معمار معروف دربار عثمانی، جهت همراهی آنها در طول سفر جنگی مطالبه کرد. البته این سیاست شاید خاص عثمانی‌ها نبوده باشد، ولی بازسازی تمامی قلاع مفتوحه و تجهیز دوباره آنها نشانگر این است که آنها استراتژی خاصی در خصوص قلعه‌ها داشته‌اند. در سفر سال ۱۵۸۳ میلادی که با هدف فتح روان (ایروان فعلی) و دیگر مناطق قفقاز جنوبی انجام شد، جدا از اساتید بنا، تعداد ۱۷ استاد معمار در سفر جنگی فرهاد پاشا را همراهی می‌کردند. این امر نشانگر اهمیت جایگاه قلاع برای عثمانی‌ها بوده است. در روایات تاریخی و مینیاتورهای عثمانی نیز به کرات به بازسازی و تعمیر قلاع روان، تومانیس، لوری، خامنه، گوری و آهیسکا اشاره شده است. که همگی در قالب این شیوه جنگی قابل تبیین هستند. این سیاست را در خصوص قلاع خامنه، جعفرپاشا و رشیدیه نیز می‌توان متصور بود. این سیاست جنگی نشان می‌دهد که هدف عثمانی‌ها اداره مناطق متصرفه از طریق اتصال و ارتباط قلاع به یکدیگر بوده است. همچنان که در تبریز هیچ‌گاه حاکمان عثمانی قلعه را ترک نکردند و همواره هسته مرکزی قدرتشان درون قلعه جعفرپاشا متمرکز بوده است.

در قالب نظریه چیرگی رنفرو در باستان‌شناسی باید گفت که قلاع مورد بحث با اینکه هر کدام یک واحد سیاسی- نظامی مستقل بودند اما در قالب ساختار سیاسی متمرکز (عثمانی) نیز قابل تحلیل و خوانش هستند. لذا، کارکرد نظامی آنها عمدتاً در زمان محاصره‌ها بوده است و بالتبع مفهوم سیاسی آنها عمدتاً در زمان صلح برجسته‌تر می‌شده است.

قلعه رشیدیه قلعه‌ای با کارکرد عمدتاً نظامی در کنترل راه‌های شرق و شمال شرق تبریز نقش مهمی داشت. این را از کیفیت و کمیت بناهای ساخته شده در آن می‌توان دریافت^۷ عمده تمرکز عثمانیان در این قلعه بر روی کارکرد دیده‌بانی و کنترلی قلعه بوده است. و برج بزرگ پیش‌نشسته در جنوب آن که ۲۷ متر قطر و ۱۲ متر ارتفاع دارد نشانگر این قابلیت قلعه بوده است. این قلعه همچنین می‌توانسته بر رودخانه مهران رود که به‌فاصله ۳۶۰ متری آن قرار داشته است، نظارت کند. قلعه جعفرپاشا به‌دلیل اینکه مرکز حکومتی عثمانی‌ها بوده است، عمدتاً کارکردی سیاسی داشته است. با این حال در زمان محاصره و جنگ، حالت دفاعی و نظامی به خود می‌گرفته است. نمونه بارز این مسئله حمله صفویان به قلعه در جریان محاصره تبریز در سال ۱۵۷۸ است. این حملات ۱۸ بار تکرار شده است، همواره با دفاع نیروهای عثمانی از داخل قلعه همراه بوده است. درخصوص قلعه خامنه که در خارج از تبریز قرار داشته، وضعیت کمی متفاوت است. این قلعه به‌عنوان یکی از استحکامات بین‌راهی عمدتاً کارکرد لجستیکی داشته و در تدارک و انتقال تجهیزات و آذوقه بین قلعه وان و قلعه تبریز نقش مهمی ایفا می‌کرده است. از طرف دیگر، این قلعه می‌توانسته بر راه‌های تجاری و بنادر منتهی به دریاچه ارومیه کنترل و حاکمیت داشته



تصویر ۵. مینیاتور قلعه خامنه مأخذ: Mehmed Çelebi, 2007.

با بررسی تاج کلاۀ قزلباشان می‌توان گفت که آنچه رحیمی زاده از کلاه قزلباشان صفوی ترسیم کرده است، نزدیک به واقعیت می‌باشد. چراکه تاج قزلباشان همواره دارای نوک بلند و قطور بوده است که دوازده ترک به نشانه دوازده امام شیعه داشته است (سید بنکدار، ۱۳۹۵، ۱۹۸). و در مینیاتور نیز این وجه تمایز را به صراحت می‌بینیم. نکته دیگر در مینیاتور این است که در نبرد تن به تن تیروکمان و شمشیر همچنان استفاده شده است. و تفنگ شمشالی به تنهایی کارایی لازم را در این نوع نبرد نداشته و یا حداقل در قلعه‌گیری نتوانسته‌اند از آن به‌طور فراگیر استفاده کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

تأثیر قلاع در فتوحات عثمانی‌ها در شرق امپراطوری انکارناپذیر است. در پژوهش حاضر، این تأثیر را تحت عنوان «سیاست قلعه محور» بررسی کردیم. و نشان دادیم که پیشروی‌ها و نقشه راه تصرفات عثمانی‌ها مبتنی بر تصرف قلاع و بازسازی آنها در راستای پیشبرد اهداف نظامی و سیاسی بوده است. در این سیستم، آنچه که مهم است اولویت تصرف قلاع هر منطقه بوده و قوای عثمانی براساس این سیاست قلعه محور حرکت می‌کردند. اهمیت قلاع برای عثمانی‌ها در اقدامات فرهادپاشا، فرمانده عثمانی، به‌وضوح دیده می‌شود. او در سال‌های ۱۵۸۶ و ۱۵۹۰ میلادی دو بار به قصد فتح دوباره تبریز عازم شرق شد و در هر دو سفر خود تعداد زیادی

باشد.

براساس نظریه چیرگی رنفرو در باستان‌شناسی، این سه قلعه عثمانی حلقه‌های ارتباطی بین واحدهای سیاسی - نظامی قلاع عثمانی از تبریز در ایران تا شهر وان در ترکیه ایجاد می‌کرده‌اند. و دیگر قلاع عثمانی نیز به این زنجیره متصل ببوده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که عثمانی‌ها با بهره‌گیری از سیستم قلاع، حاکمیت سیاسی خود را بر منطقه آذربایجان و قفقاز جنوبی را اعمال می‌کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد، سهم قلاع مذکور در اداره و کنترل مناطق متصرفه آذربایجان بیشتر از فتح آنها بوده است. چراکه نه در زمان تصرف تبریز توسط عثمانی‌ها و نه در دوره بازپس‌گیری آن به دست قوای شاه عباس اول، این قلاع نتوانسته‌اند مانع جدی در این راه ایجاد کنند. حتی در زمان فتح شهر توسط عثمان پاشا، نبرد اصلی در خارج شهر رخ داده و محاصره قلعه تبریز ضرورت نیافته است.^۸ در زمان بازپس‌گیری شهر نیز مقاومت خاصی در قلعه صورت نگرفته است. از طرف دیگر، می‌توان گفت که به احتمال زیاد قلاع کوچک‌تر و پاسگاه‌های دیده‌بانی دیگری نیز در نزدیکی تبریز و ارتفاعات پیرامون شهر وجود داشته‌اند که به این زنجیره قلاع متصل ببوده‌اند. در این زمینه، تاورنیه در سفرنامه خود به وجود برج‌ها و استحکامات متعدد عثمانی در پیرامون شهر تبریز اشاره کرده است.

سیاسگزاری

در انجام این پژوهش از حمایت‌های مادی و معنوی هیئت بین‌المللی کاوش و پژوهش ربع رشیدی تبریز بهره گرفته شد. لذا، از تمامی اساتید کمال تشکر را داریم. همچنین، تشکر ویژه از جناب آقای دکتر بهرام آجورلو به دلیل حمایت‌ها و ارائه نقطه نظرات جهت نگارش هرچه بهتر مقاله تشکر ویژه را داریم.

پی‌نوشت‌ها

- این برهه تاریخی دوره انعقاد معاهده‌های صلح و آتش‌بس متعدد است که از سال ۱۵۸۵ میلادی شروع و تا ۱۶۰۳ و حتی بعد از آن تداوم داشته است.
- ذاتاً مأموریت اوزدمیرزاده عثمان پاشا ترجیحاً فتح تبریز بود. لذا، همواره دولتی که فاتح تبریز می‌شد، در حقیقت حاکم کل آذربایجان محسوب می‌شد و کل این منطقه تحت حکم و اطاعت او در می‌آمده است.
- به روایتی دیگر عثمان پاشا در سی‌ام رمضان سال ۹۹۳ هجری قمری وارد تبریز شده بود (Bilgi, 2011, 220).
- جعفرپاشا فردی بود که هنگام فتح تبریز حاکمیت منطقه دیاربکر را در اختیار داشته است که از تاریخ این انتصاب منطقه آذربایجان و تبریز نیز به محدوده حاکمیتی او افزوده می‌شود. لذا، با توجه به اهمیت حفاظت تبریز، وی در تبریز مستقر می‌شود و از نزدیک اداره امور را بر عهده می‌گیرد.
- جعفر پاشا حاکم عثمانی تبریز در آن دوره بوده است که از طرف اوزدمیرزاده عثمان پاشا، به‌عنوان فرماندار تبریز و حاکم کل منطقه آذربایجان منصوب شده بود.
- براساس منابع آن دوره می‌دانیم که صفویان در جریان محاصره و حمله به قلعه تبریز (جعفرپاشا) از توپ «کله گوش» استفاده کرده بودند که خسارات زیادی به قلعه وارد کرده بود ولی باعث تصرف قلعه نشده بود (see Falahi & Rahimi, 2013).
- از بررسی آثار معماری سطحی و کاوش‌های گمانه‌زنی به این نتیجه می‌رسیم که نباید بناهای بزرگی در این قلعه وجود داشته باشد و هرچه بوده در حد استقرار اندک سربازان و دیده‌بانان بالای برج‌ها و دروازه‌های ورودی قلعه بوده است (نگاه کنید به نتایج کاوش‌های هیئت مشترک باستان‌شناسی ایران و آلمان در ربع رشیدی).
- با توجه به داده‌ها و مدارک موجود این احتمال وجود دارد که قبل از ورود عثمانی‌ها به تبریز اصولاً قلعه‌ای درون شهر وجود نداشته است و منابع ایرانی نیز به وجود چنین قلعه‌ای اشاره نمی‌کنند.

فهرست منابع

- آجورلو، بهرام. (۱۳۹۷). گزارش نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی و پژوهش‌های مرمتی گروه پژوهشی بین‌المللی ایران و آلمان ربع رشیدی تبریز، تبریز و تهران، بایگانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور.
- ترکمان، اسکندر بیگ. (۱۳۹۰). *تاریخ عالم آرای عباسی به کوشش فرید مرادی* (جلد ۲). نگاه.
- حیدری، سیدجمال و فرهنگی، سوسن. (۱۳۹۳). تفنگ. در *مصطفی میرسلیم* (ویراستار)، *دانشنامه جهان اسلام* (جلد ۷، ص. ۳۷۳۳). <https://rch.ac.ir/article/Details/11059?%D8%AA%D9%81%D9%86%DA%AF>
- رجب‌زاده، هاشم و مختاریپور، علیرضا. (۱۳۸۳). *سرگذشت غازان خان تلخیص و بازنویسی بخش تاریخ مبارک غازانی از کتاب جامع التواریخ اثر رشیدالدین فضل‌الله همدانی*. نشر اهل قلم.
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۷۹). پژوهشی در ربع رشیدی. *هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۷(۰)، ۴۷-۵۸. https://journal.ut.ac.ir/article_13936_b9d6703a0ab81265010dd6c594d518d9.pdf
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۰). *تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران* (از دوران باستان تا ۱۳۵۵ ه.ش). چهار طاق.
- سیدبنکدار، سید مسعود. (۱۳۹۵). *بررسی جایگاه و عملکرد تاج قزلباش در تحولات سیاسی دوره صفویه. فصلنامه شیعه‌شناسی*، ۱۴(۵۶)، ۱۹۵-۲۱۸. https://www.shiitestudies.com/article_28801.html?lang=fa
- شکاری، جواد. (۱۳۸۳). *بررسی مجموعه علمی- مذهبی و تحقیقاتی ربع رشیدی [رساله دکتری منتشرشده، دانشگاه تربیت مدرس]*. سامانه پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها. http://parseh.modares.ac.ir/thesis.php?id=1173174&sid=1&slc_lang=fa
- فرهانی منفرد، مهدی و طارم، مریم. (۱۳۸۴). *بررسی وضعیت اقتصادی ربع رشیدی در دوره ایلخانی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)*، ۱۵(۵۵)، ۱۰۷-۱۳۸. https://ensani.ir/file/138-107_55_15_55_107_138.pdf
- کارنگ، عبدالعلی. (۱۳۷۵). *آثار باستانی آذربایجان: آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز*. نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کریمیان، حسن و مهدی‌زاده، بهزاد. (۱۳۹۶). *شهرهای ایران عصر ایلخانی (تحلیلی بر نقش وقف در توسعه شهرهای دوران ایلخانی)*. انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
- مهدی‌زاده، بهزاد. (۱۳۹۲). *بررسی جایگاه وقف در شکل‌یابی بافت شهری و فضاهای معماری عصر ایلخانان [پایان‌نامه منتشرشده کارشناسی ارشد دانشگاه تهران]*. کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ایران. <https://lib.ut.ac.ir/site/catalogue/1277240>
- مهدی‌زاده، بهزاد و روشن، مجتبی. (۱۴۰۲). *طرح میدانی عکسبرداری هوایی قلعه رشیدی تبریز*. بایگانی پروژه بین‌المللی ربع رشیدی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- واله اصفهانی، محمدیوسف. (۱۳۷۲). *خلدبرین (به کوشش میرهاشم محدث)*. انتشارات دکتر محمود افشار.
- Ajorloo, B. (2013). A Historical Approach to the Urban-planning and Architectural Complexes in the Ilkhanid

- Tabriz. *Journal of Iranian Lslamic Period History*, 4(7), 1-23. https://tuhistory.tabrizu.ac.ir/article_2620.html?lang=en
- Ajorloo, B., & Moradi, A. (2020). An Analytical Approach to the Function and Dating of the Great Southern Tower at Rab's Rashidi in Tabriz. *Bagh-e Nazar*, 17(85), 45-56. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.171487.3990>
 - Ajorloo, B., & Mehdizadeh, B. (2024). Investigating the Roman and Byzantine Patterns of the Great Southern Outwork of the Rab'-e Rashidi; Based on Anatolian Samples. *Bagh-e Nazar*, 21 (136), 53-64. <https://doi.org/10.22034/bagh.2024.435340.5537>
 - Âsafî Dal., M, Ç. (2007). *Şecâ'atnâme*. A. Özcan (Ed.), Çamlıca Basım Yayın publications.
 - Balilan asl, L. (2016). The Spatial Structure of Tabriz in Safavid era in Comparison with Itineraries and Pictorial Documents. *Bagh-e Nazar*, 13(38). 47-60. https://www.bagh-sj.com/jufile?ar_sfile=1025176&lang=en
 - Bidlisi, S. (1860). *Scheref-Nameh ou Histoire des Kourdes* (V. V. Zernof, Ed.). Académie Impériale Russe des Sciences. (Original work published 1597).
 - Bilgili, A. S. (2011). *Tebriz*, Islamic encyclopedia, V. XL, İstanbul .
- Blair, S. (2008). Architecture and society during Ilkhanid period (Analysis of Rab'e Rashidi's Waqf Nāma) (M. Qayyumi trans.). *Golestan Art*, 4(3), 48-73. <file:///C:/Users/Zigorat/Downloads/golhon-v4n3p48-fa.pdf>
- Çelebi, E. (2008). *Evliya Çelebi Seyahetnamesi*. Yapı Kredi publications.
 - Dark, K. A. (2000). Theoretical foundations of archeology (K. Abdi trans.). Academic Publication Center. (Original work published 1995).
 - Falahi, A., & Rahimi, G. (2013). A Survey of Manufacturing and Using Firearms in Safavid Era. *Journal for the History of Science*, 13(1), 65-80. <https://doi.org/10.22059/jihs.2018.238433.371410>
 - Fuchs, C., & Ajorloo, B. (2023) . The Rab'e Rashidi Site in Tabriz (İran) and its Architectural Remains. *Proceedings of the 12th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East, Bologna*. 851-865. <https://doi.org/10.34780/3h77-denz>
 - Gelibolulu, M. A. (2020). *Künhü'l-Ahbâr*. D. Örs (Ed.). Bilnet Matbaacılık ve Ambalaj Sanayi A. Ş. <http://ekitap.yek.gov.tr/Uploads/ProductsFiles/14ee7548-5dc0-43ad-8fc3-b2f48af89eab.pdf>
 - Habib, F. (2010). Analysis of urban domains in Azari period Case study: Rabe Rashidi-The utopia of Khaje Rashid-Al-Din, Fazl Ol Allah. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 2(41), 91-100. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286020.1389.2.41.8.5>
 - Kırzioğlu, M. F. (1976). *Osmanlılar'ın Kafkas-Elleri'nin Fethi* (1451-1590). Sevinç publication.
 - Kütükoğlu, B. (1993). *Osmanlı-İran Siyasi Münasebetleri*. Faculty of Literature publications.
 - Matrakçı N. S. (2014). *Beyan-i Menazel-i Sefer-i İrakeyn-i Sultan Süleyman Han*. Türk Tarih kurumu publications.
 - Nicolle, D. (2019). *Osmanlı Kaleleri 1300-1810* (K. Şakul Trans.). İş Bankası Kültür publication.
 - Rahimizade, İ. Ç. (2010). *Kitâb-ı Gencine-i Feth-i Gence*. G. Karaağaç & A. Eskikurt (Eds.). Çamlıca publication.
 - Renfrew, C. (1984). *Approaches to Spcial Archaeology*. Edinburgh University Press.
 - Renfrew, C., & Cooke, K. L. (1979). *Transformation: Mathematical approaches to culture Change*. Academic Press.
 - Roshan, M., Ajorloo, B., & Pirbabaei, M. T. (2025). The Analytical Revising of Function and Relative Dating of the Stepped Structure at Rab'-e Rashidi . *Bagh-e Nazar*, 21(139), 57-68. <https://doi.org/10.22034/bagh.2024.472735.5645>
 - Şeyh Vefâyi, M. (2019). *Tevârih-i Gazavât-ı Sultan Murad-ı Sâlis*. ÖNB Department of Manuscripts and Rare Books.
 - Tavernier, J. B. (1990). *Voyage en Perse* [Travelogue of Tavernih] (A. T. Nouri, Trans., H. Shirani, Ed.). Sanai Publications. (Original work published 1605-1689).

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 مهدی‌زاده، بهزاد و اردوغان، آیتکین. (۱۴۰۴). بازخوانی و معرفی قلعه‌های عثمانیان در تبریز براساس منابع نوشتاری و یافته‌های جدید باستان‌شناسی. *مجله هنر تمدن شرق*، ۱۳ (۴۷)، ۵۲-۶۱.

DOI: 10.22034/jaco.2025.473614.1417

URL: https://www.jaco-sj.com/article_212883.html

